

# استاد افضل خانی

## ادبیات پایه نهم

12:01 ↗

← Back

Hafez Shirazi

last seen ۵۷۶۸ ش



مکن ز غصه شکایت که در طریق ادب  
به راحتی نرسید آنکه زحمتی نکشید

17:19



Message



## دستور

### شمارش جمله

۱- فعل‌های حاضر در جمله

۲- فعل‌های حذف شده

۳- شبه‌جمله‌ها } منادا  
صوت

مثال ۱:

یکی را به سر برنهد تاج بخت / یکی را به خاک اندر آرد ز تخت

مثال ۲:

پرستار امرش همه چیز و کس

مثال ۳:

هان مشو نومید چون واقف نه‌ای از سر غیب / باشد اندر پرده بازی‌های پنهان غم مخور

مثال ۴:

زنهار مگو سخن بجز راست / هرچند تورا در آن ضررهاست

## شبه‌جمله

منادا: وقتی کسی را صدا می‌زنیم آن منادا است

ای }  
یا } حروف ندا  
(آ) }  
حافظا



منادا به همراه حرف ندا ← سعدیا راست روان گوی سعادت بردند / راستی کن که به منزل نرسد کج رفتار  
منادا به تنهایی ← مُحال است سعدی که راه صفا / توان رفت جز بر پی مصطفی  
حرف ندا به تنهایی ← ای نام تو بهترین سرآغاز  
\* نکته: در مورد حرف ندا به تنهایی:

### جایجایی اجزای جمله

در جمله باید ابتدا نهاد بیاید و در آخر جمله فعل باشد اگر جای یکی از این‌ها عوض شود در بررسی دستوری یا پیدا کردن معنی ابتدا باید جمله را مرتب کنیم بعد نقش‌های دستوری آن را پیدا کنیم.  
مثال:

\* شکر انعام تو هرگز نکند شکر گزار  
\* راستی کن که به منزل نرسد کج رفتار

### انواع جمله

جمله از نظر انواع به چهار دسته تقسیم می‌شود

- ۱- خبری
- ۲- امری
- ۳- عاطفی
- ۴- پرسشی

### نقش‌های دستوری

نهاد: آن قسمتی از جمله که در موردش خبر می‌دهیم یا عمل (فعل) را انجام می‌دهد.

نکات نهاد:

- ۱- نهاد با سؤال (چه کسی / چه چیزی) پیدا می‌شود.
  - ۲- اگر فعل ما انجام شدن کاری را نشان می‌دهد برای پیدا کردن نهاد می‌توانیم به دنبال انجام دهنده آن کار بگردیم.
  - ۳- نهاد باید اول جمله باشد
- مثال: عقل حیران شود از خوشه زرین عنب  
۴- نهاد می‌تواند یک کلمه یا بیشتر باشد:



\* در زندگی مطالعه اول غنیمت است.

۵- نهاد گاهی حذف می‌شود در این صورت از یکی از این ۶ ضمیر (من، تو، او، ما، شما، آنها) متناسب با فعل جمله استفاده می‌کنیم

**مثال:** علم چندان که بیشتر خوانی

۶- نهاد فعل (امر و نهی)، (تو) یا (شما) است که گاهی پنهان است.

**مثال:** «آب زنید راه را هین که نگار می‌رسد / مژده دهید باغ را بوی بهار می‌رسد

۷- تمام فعل‌ها نهاد دارند و یا به عبارتی، هر فعل یک نهاد دارد.

### مفعول

مفعول آن قسمتی از جمله است که کار بر روی آن واقع می‌شود.

\* تمام جملات مفعول ندارند تنها جملاتی که وقتی از فعل آن سؤال (چه کسی را / چه چیزی را) را می‌پرسیم منطقی باشد.

\* جایگاه مفعول بعد از نهاد است:

**مثال:**

\* در غذا بر پهلوانی دست یافت / زود شمشیری بر آورد و شتافت

\* جهان جمله فروغ روی حق دان

\* مفعول می‌تواند یک کلمه یا بیشتر باشد

**مثال:** بیفشان از وضو بر رویم آن آب / که از غفلت نماند در سرم خواب

فعل‌های (اسب، بود، شد) هرگز مفعول ندارند.

### معانی (را)

(را) در معنی خودش

که علم کند به عالم شهدای کربلا را

(را) به معنی (به)

به هوش باش که ایران تو را پیام دهد.

(را) به معنی (از)

حکیمی را پرسیدند

(را) به معنی (برای)

هیچ راهی نیست کان را نیست پایان غم مخور

\* اگر (را) در معنی خودش باشد رای مفعولی است و کلمه قبلش مفعول است.

اگر (را) در معنی (به، از، برای) باشد کلمه قبلش متمم است.



(را) در معنی (-)

- \* آدمی را چو هفت مهر به دل / نبود کم شمار از اهریمن
- \* دل رمیده مارا انس و مونس شد

### حروف

**حروف ربط:** حروفی که بعد از فعل می‌آیند و دو جمله را به هم ربط می‌دهد.

که - یا - و - زیرا - برای اینکه و ...

**حروف اضافه:** از - به - با - در - بر - برای - به سوی - سوی - اندر - جز - به غیر از - آلا - چو، چون (در معنی مانند) را (در معنی از، به، برای) از بهر

**حروف عطف:** و، یا که بین دو اسم بیاید، تا (اگر فاصله زمانی یا مکانی را بگوید)

**حروف ندا:** ای، یا، ا

### متمم

کلمه‌ای که بعد از حروف اضافه بیاید متمم است. **مثال:**

\* در بیابان گر به شوق کعبه خواهی زد قدم

\* چو بفروختی از که خواهی خرید؟

\* ز آغاز هر خوشه خروار نیست

**نکته**

\* متمم باید بعد از نهاد و قبل از فعل باشد.

\* تعداد متمم در جمله می‌تواند یک یا بیشتر باشد

هر یک از بچه‌ها به سویی رفت.

### مسند

در جملاتی که فعل اسنادی دارند با پرسش «چگونه» از فعل می‌توان مسند را پیدا کنیم.

\* فعل‌های اسنادی شامل، (است، بود، شد، گشت و گردید) است.

\* صورت منفی این فعل‌ها هم اسنادی هستند.

\* این فعل‌ها در زمان‌های مختلف هم اسنادی هستند.

\* اگر این فعل‌ها فعل کمکی باشند، اسنادی نیستند.

\* (است، بود، نیست، نبود) در معنی وجود دارد و وجود ندارد نباشد.



- \* (بُود) در معنی است، اسنادی است.
  - \* (شد) در معنی (رفت) غیراسنادی است.
  - \* (گشت و گردید)، در معنی (شد) اسنادی است.
  - \* جایگاه مسند بعد از نهاد و قبل از فعل است.
- ستاره ای بدرخشید و ماه مجلس شد / دل رمیده ما را انیس و مونس شد  
چون این دو شوند از تو خرسند / خرسند شود ز تو خداوند  
گفتا تو خود حجابی ورنه رخم عیان است



### قید

کلمه‌ای که توضیحی دربارهٔ قسمتی از جمله می‌دهد و مفهوم حالت، زمان، مکان، تردید، یقین، تکرار و ... را به جمله می‌افزاید.



### انواع قید

- قید زمان:** شب، روز، گاهی، فردا و ...
- قید مکان:** این جا - آنجا - پایین - عقب و ...
- قید حالت:** این قید چگونگی فاعل یا مفعول را در حین انجام کار بیان می‌کند.
- قید تکرار:** دوباره، مجدداً، باز
- قید یقین:** حتماً، یقیناً و ...
- قید تردید:** شاید، احتمالاً، گویا و ...
- قید مقدار:** کم، زیاد، کم کم و ...
- قید پرسش:** آیا، چرا، چگونه، مگر، کی و ...
- قید تدریج:** کم کم، روز به روز، خرده خرده و ...



### ردیف و قافیه

**قافیه:** کلمات هم‌آهنگی که در آخر - مصرع‌ها یا ابیات می‌آیند.  
صورت قرار گرفتن قافیه قالب شعری را ایجاد می‌کند.  
\* وجود قافیه در شعر لازم است.

مثلاً:

جهان جمله فروغ روی حق‌دان      حق اندر وی ز پیدایی است پنهان



**ردیف:** کلماتی که بعد از قافیه عیناً تکرار شود.

\* وجود ردیف الزامی نیست.

\* کلمات ردیف باید هم در معنی و هم در نوشتن یکسان باشند.

\* اگر دو واژه در آخر مصراع باشد که مثل هم نوشته شده است ولی معنای آن‌ها یکسان نباشد آن کلمه ردیف نیست.

غم خویش در زندگی خور که خویش      به مرده نپردازد از حرص خویش

گلاب است گویی به جویش روان      همی شاد گردد به بویش روان

\* گاهی ردیف یک جمله است مثل:

لاله دیدم روی زیبای توام آمد به یاد      شعله دیدم، سرکشی‌های توام آمد به یاد

## 💡 قالب‌های شعر فارسی

\* **غزل و قصیده**

وقتی مصرع اول و مصرع‌های زوج با هم، هم قافیه باشند.

قالب آن شعر غزل یا قصیده است.

تفاوت غزل و قصیده در محتوا و تعداد ابیات آن‌ها است.

محتوای غزل، عارفانه و عاشقانه است و محتوای قصیده توصیف طبیعت، مدح و ستایش است.

تعداد ابیات غزل ← ۵ تا ۱۷ بیت است.

تعداد ابیات قصیده ← ۱۵ تا ۷۰ بیت است.

\* **شکل قالب قصیده و غزل**

\* \_\_\_\_\_

\* \_\_\_\_\_

\* \_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

\* \_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

\* \_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

\* **مثنوی**

نام دیگر قالب مثنوی «دوتایی» است و شعری است که در آن هر مصراع قافیه‌ای جدا دارد.



**\* شکل قالب مثنوی**

* _____	* _____
□ _____	□ _____
* _____	* _____
○ _____	○ _____

**\* قطعه**

قالبی که در آن مصرع‌های زوج هم قافیه هستند موضوع آن مفاهیم اخلاقی، اجتماعی است.

**\* شکل قالب قطعه**

* _____	_____
* _____	_____
* _____	_____

**رباعی** 

شعری است که چهار مصرع دارد و معمولاً مصرع سوم قافیه ندارد. محتوای آن عارفانه، عاشقانه یا فلسفی است.

**شکل قالب رباعی:**

* _____	* _____
* _____	_____

**دوبیتی** 

شعری است که در شکل قرار گرفتن قافیه مثل رباعی است و تنها تفاوت دوبیتی و رباعی در وزن آنها است.





### چهارپاره

شعری است که از چند بند تشکیل شده است هر بند شامل مصراع است که مصراع‌های دوم و چهارم هم قافیه‌اند.

شکل قالب چهارپاره:

<input type="checkbox"/>	_____	_____
<input type="checkbox"/>	_____	_____
	***	
<input type="checkbox"/>	_____	_____
<input type="checkbox"/>	_____	_____
	***	
<input type="checkbox"/>	_____	_____
<input type="checkbox"/>	_____	_____

### بن فعل گذشته یا ماضی

به دو روش می‌توان بن فعل گذشته ساخت

۱- اگر از مصدر (ن) را کم کنیم = بن گذشته

۲- اگر هر فعلی را به تنهایی بدون هیچ چیز در این جای خالی بگذاریم بن گذشته ایجاد می‌شود.

او دیروز

### زمان‌های فعل گذشته (ماضی)

گذشته (ماضی) ساده: فعلی که در زمان گذشته انجام شده است.

بن ماضی + شناسه

گذشته (ماضی) نقلی: فعلی که در زمان گذشته انجام شده و اثر آن تاکنون باقی است.

بن ماضی + ه + ام، ای، است، ایم، اید، اند

گذشته (ماضی) استمراری: فعلی که در گذشته به تکرار انجام می‌شده است.



می + بن گذشته + شناسه

گذشته (ماضی) **بعید دور**: فعلی که در گذشته دور انجام گرفته است.

بن گذشته فعل + ه + فعل بود + شناسه

گذشته (ماضی) **التزامی**: فعلی که در زمان گذشته با تردید، شرط یا آرزو انجام شده است.

بن گذشته فعل مورد نظر + ه + فعل کمکی «باش» + شناسه

گذشته (ماضی) **مستمر (جاری)**: فعلی که به جریان انجام عملی در گذشته به همراه کاری دیگری اشاره دارد.

گذشته ساده از مصدر داشتن + گذشته استمراری فعل مورد نظر

### بن حال یا مضارع

برای ساختن بن فعل حال ابتدا فعل را امر می‌کنیم بعد از اول آن (ب) را می‌اندازیم آنچه می‌ماند بن حال یا مضارع است.

### زمان‌های فعل حال (مضارع)

**مضارع اخباری**: فعلی که بر انجام گرفتن کاری و بیان خبری در زمان حال اشاره دارد.

می + بن مضارع + شناسه

**مضارع التزامی**: انجام کاری را در زمان حال با تردید، شک، شرط و یا آرزو نشان می‌دهد.

ب + بن مضارع + شناسه

**مضارع مستمر (جاری)**: جریان انجام کاری را در زمان حال نشان می‌دهد.

فعل کمکی «دار» + شناسه + می + بن مضارع + شناسه

### صفت برتر و برترین (صفت‌های سنجشی)

**صفت برتر (تفضیلی)**: وقتی بخواهیم دو چیز را با هم مقایسه کنیم از (صفت + تر) استفاده می‌کنیم.

صفت برتر، وابسته پسین می‌شود.

گل مریم ظاهر زیباتری از گل نرگس است.



**صفت برترین (عالی)**: وقتی بخواهیم یک چیز را با تمام انواع دیگر مقایسه کنیم از (صفت + ترین) استفاده می‌کنیم.



آقای یاوری مهربان‌ترین معلم است.  
صفت برترین وابسته پیشین اسم است.

### ساختار واژه

۱- ساده: واژه‌هایی که از یک بخش ساخته شده‌اند و معنی مستقل و روشنی دارند و نمی‌توان آنها را به اجزایی بخش کرد.

مثل: گل، دشمن، فکر و ساده

۲- غیر ساده:

- **وندی (مشتق):** یک قسمت معنادار + یک یا چند (وند)

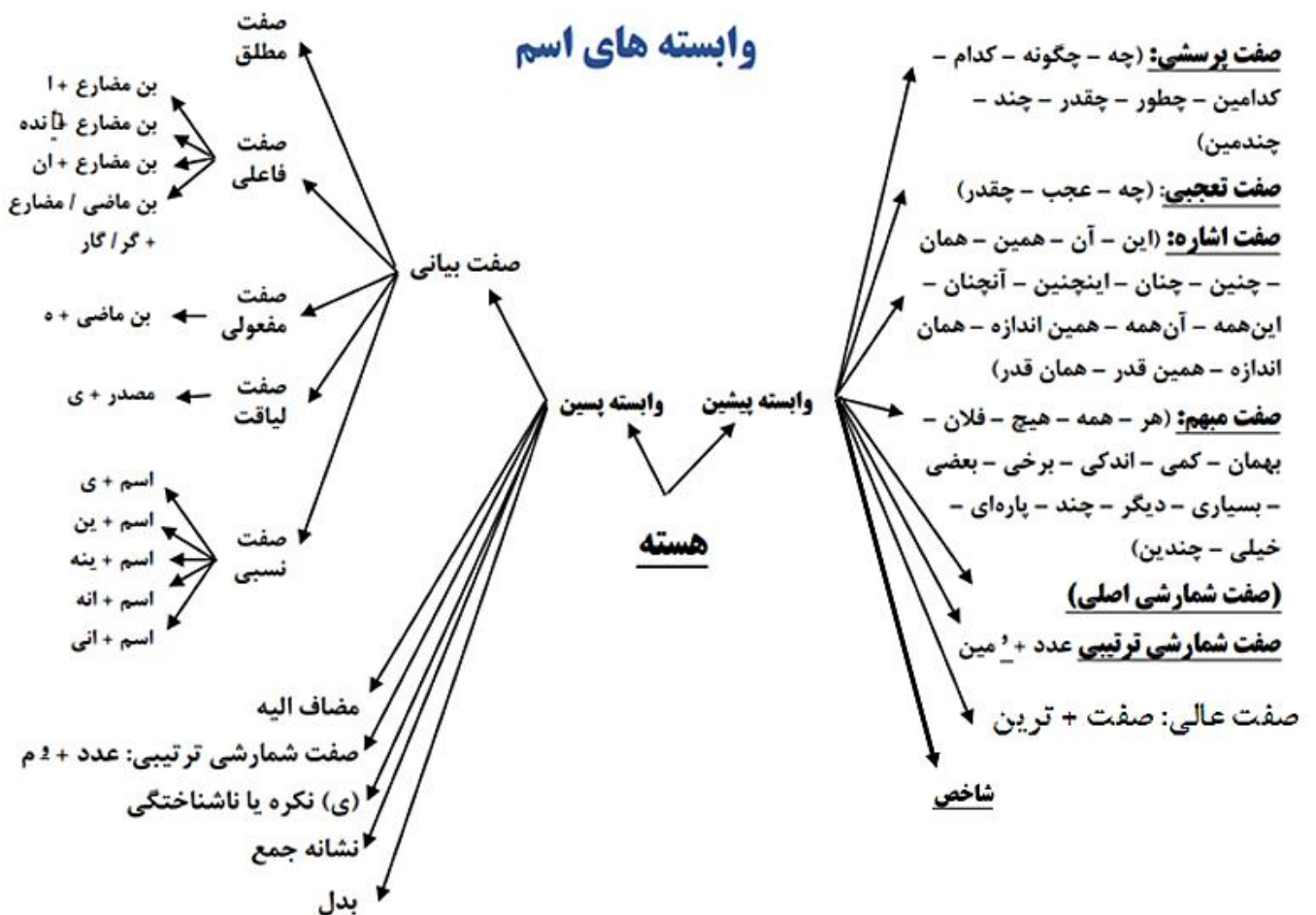
مثل: گلزار - هنرمند - پرنده - تیره

- **مرکب:** دو یا چند قسمت معنادار

مثل: گلخانه - سیلاب - آب انبار

- **وندی مرکب (مشتق مرکب):** دو یا چند قسمت معنادار + یک یا چند وند

مثل: جوانمردی - دانش‌آموز



وبسایت تام لند:

mid۱.tamland.ir



tamland\_official



tamland.middle.school



با ❤️ بیا تام‌لند